

تاریخ حقوق جزای ژاپن*

مترجم: حمید صباح مشهدی

نخستین قانون موضوعه و مصوب در زمینه حقوق جزا در ژاپن "قانون جزایی سال ۱۹۰۷" می‌باشد. قوانین جداگانه و ویژه‌ای نیز که به جرایم خاصی مربوط می‌شوند، و معمولاً تحت عنوان "قوانین کیفری خاص" جای می‌گیرند، وجود دارند. از قبیل قانون مربوط به جرایم جنحه و خلاف، قانون جلوگیری از اقدامات خرابکارانه (که به منظور واژگون نمودن حکومت صورت می‌گیرند)، مقررات کنترل مواد محترقه و آتش‌زا و قانون مبارزه با هواپیما ربایی.^(۱)

علاوه بر آن، تعدادی قوانین اداری وجود دارد که مجازات‌ها و تنبیهاتی را برای نقض مقررات اداری پیش‌بینی نموده است. از جمله قانون مربوط به جلوگیری از آلودگی هوا، و قانون کارمندان دولت.^(۲) قانون تجارت و قانون مقابله با انحصار نیز دارای مقررات جزایی هستند. همچنین قانون جلوگیری از رقابت ناعادلانه، در سال ۱۹۹۸ م، به منظور مجازات اشخاصی که به مأموران کشور بیگانه رشوه می‌دهند، اصلاح گردید.

قانون جزا به دو بخش عمومی و اختصاصی تقسیم می‌گردد. بخش عمومی، اصول کلی و مفاهیم اساسی حقوق جزا را مقرر می‌نماید؛ مانند قصد (عنصر معنوی جرم)، غفلت و مسامحه، شروع به جرم، شریک یا معاون جرم و غیره.^(۳) بخش دوم، جرایم اختصاصی را فهرست می‌نماید.^(۴) قواعد کلی، در بخش عمومی قانون جزا مطرح می‌گردد که بر قوانین کیفری خاص نیز اعمال می‌گردد. قانون جزایی کنونی به قانون سال ۱۹۰۷ م، بازمی‌گردد.

اولین مجموعه جزایی مبسوط و مفصل، مجموعه مقررات "شین ریتسو کوریو"^(۵) بود که بعد از سقوط امپراطوری "شوگان توکوگاوا"^(۶) (۱۸۶۷)، در سال ۱۸۶۹ وضع گردید. این مجموعه قانونی عمدتاً متأثر از قوانین دو سلسله امپراطوری چین به نام‌های "مینگ و چینگ"^(۷) بود. علاوه بر آنکه متأثر از قانون "شوگان توکوگاوا" نیز بوده است، به وسیله قانون "کاری کیریتسو"^(۸) در سال ۱۸۷۶ م، تکمیل گردید.

با وجود این، این قوانین عملاً برای کشوری که در صدد دست یافتن به مرتبه و موقعیتی همسان با کشورهای اروپای غربی بود مناسب و رضایت بخش به نظر نمی رسید. بنابراین، در سال‌های ۱۸۷۰ م، شروع به تهیه پیش نویس طرح‌های قانونی دیگری مبتنی بر مدل اروپایی نمودند.

این تلاش‌ها سرانجام منجر به تصویب "قانون جزایی مصوب ۱۸۸۰" گردید. حقوقدان فرانسوی "گوستاو بویسوناد"^(۹) که به خاطر تهیه و آماده سازی قانون مدنی ژاپن (Civil - code) مشهور می باشد، عهده دار تنظیم پیش نویس قانون فوق بود که البته مفاد و مندرجات پیش نویس وی در آخرین مراحل، تعدیل و اصلاح گردید.

از این رو، گرچه قانون جزای مذکور تحت تأثیر شدید قانون فرانسه قرار داشت، اما تا حدی نیز متأثر از حقوق آلمان بود. بایستی توجه داشت که اصل حقوقی "Lege nulla crimen sine" (هیچ عملی جرم نیست مگر به حکم قانون) برای اولین بار توسط این قانون^(۱۰) به حقوق ژاپن معرفی گردید.

قانون جزایی مصوب ۱۹۰۷ م، جایگزین قانون ۱۸۸۰ م، شد. قانون جدید برخلاف قانون ۱۸۸۰ م، عمده‌تأ مبتنی بر حقوق آلمان بود؛ چرا که در این زمان (حدود سال‌های ۱۹۰۷) مکتب فکری جدیدی که در زمینه حقوق جزا و جرم شناسی توسط محققان ایتالیایی و آلمانی تأسیس گردید، در اروپا نمایان گشت و کسانی را که گرفتار تهیه و آماده نمودن پیش نویس طرح‌های قانونی بودند، تحت تأثیر خود قرار داد.

این مکتب بر عوامل اجتماعی و جامعه شناسی که سبب ارتکاب جرم توسط افراد می گردد تأکید دارد و مفهوم بازگشت مجدد به زندگی عادی را به جای مفهوم عقوبت و مکافات جایگزین نمود. از زمان تصویب این قانون، نفوذ آلمان و دکتترین حقوقی آن همواره بر تفسیر و مطالعه حقوق جزای ژاپن تأثیر گذار بوده است.

کمی بعد از جنگ جهانی دوم، قانون سال ۱۹۰۷ م، به منظور هماهنگ کردن و همسوس نمودن آن با قانون اساسی فعلی تا حدودی اصلاح گردید. در نتیجه، جرایم علیه امنیت خانواده به عنوان نتیجه تغییر در وضعیت امپراطوری نسخ گردید. جاسوسی و برخی جرایم مشابه نیز از قانون مذکور

حذف شد؛ و باتوجه به اینکه اخیراً بر اصل برابری جنسیت صحه گذاشته شد، جرایمی از قبیل زناى محصنه که در صورت ارتکاب آن فقط مجرم زن به مجازات می‌رسید، نسخ گردید.

از دیگر نتایج اصلاح قانون ۱۹۰۷ م، افزایش ضمانت اجرای نقض آزادی بیان، لغو قانون مربوط به نظم و امنیت عمومی و اصلاح قانون راجع به تهمت و افترا بود. براساس قانون حاضر، هر بیانی که به منافع عمومی مرتبط باشد و در جهت مصلحت جامعه اظهار گردیده باشد، در صورتی که اظهارکننده صدق گفته‌اش را ثابت نماید، مجازات نمی‌شود. (Art. ۲۳۰-۲)

تلاش برای اصلاح کلی و فراگیر قانون حاضر در سال‌های ۱۹۲۰ م، شروع گردید؛ زمانی که طرح اصلاح قانون جزا منتشر گردید. در سال ۱۹۳۱ م، پیش‌نویس بخش عمومی قانون تکمیل گردید و به دنبال آن در سال ۱۹۴۱ م، پیش‌نویس بخش اختصاصی به اتمام رسید. تلاش مزبور برای اصلاح قانون عمدتاً به خاطر وقوع جنگ^(۱۱) ناکام ماند.

در اواسط سال ۱۹۵۰ م، وزارت دادگستری شروع به کار بر روی قانون جزا نمود. به همین منظور کمیته فرعی مجلس مشورتی قانونگذاری مأموریت یافت تا قانون موجود را مطالعه نماید.

نتیجه این شد که این قانون می‌بایست کاملاً اصلاح گردد و به همین جهت کمیته مزبور پیش‌نویسی را تهیه نمود. این پیش‌نویس در سال ۱۹۷۴ م، مورد موافقت و تصویب مجلس مشورتی قرار گرفت. با وجود این، تلاش‌های دولت در جهت اصلاح کامل قانون جزا با مخالفت اکثر حقوقدانان و وکلا مواجهه گردید.

محور اصلی و اساسی، انتقادهای تأکیدی بود که دولت و مجلس بر مفاد پیش‌نویس داشتند.^(۱۲) این پیش‌نویس مبتنی بر “طرح قانونی” بود که در بین سال‌های ۱۹۲۰ م، و ۱۹۳۰ م، و براساس قانون اساسی ۱۸۸۹ م، تهیه گردید. بنابراین، تغییرات دموکراتیکی که بعد از جنگ جهانی دوم در حقوق کشورها رسوخ پیدا کرده بود، در پیش‌نویس فوق جایگاه و نمودی نیافت. در نتیجه، تعجیبی نداشت که پیش‌نویس مذکور حفظ حقوق عمومی را بر حفظ و حراست حقوق افراد برتری و ترجیح دهد. آنچه که در پیش‌نویس بر آن تأکید بسیار شده بود، ماهیت اخلاقی حقوق جزا بود. در آن زمان حقوق جزا عمدتاً به عنوان وسیله حفظ و حراست از معیارهای اخلاقی و محاسن سنتی مردم مطرح

شده بود. در مقابل، مخالفان طرح مذکور، حقوق جزا را تمهیدی برای محافظت شهروندان در برابر تخلفات و تجاوزات مجرمان به حقوق و منافع آنان تلقی می نمودند. از نظر ایشان حقوق جزا باید از دخالت در مسائل اخلاقی خودداری و اجتناب نماید. صرف نظر از آنکه به علت ویژگی پلورالیزم و تکثرگرایی عصر حاضر، توافق بر سر مجزرات اخلاقی غیرممکن به نظر می رسد.

رابطه شدید و تنگاتنگ پیش نویس با امنیت عمومی، با معرفی و درج "اقدامات ویژه امنیتی" درخصوص آن دسته از اشخاصی که بی گناهی یا مسئولیت محدودشان به خاطر عارضه جنون در آنها توسط دادگاه احراز می گردید، اثبات می شود. در حال حاضر این اشخاص (مجانین) به کلینیک ها و بیمارستان های روان پزشکی اعزام می گردند؛^(۱۳) و وزارت بهداشت دارای صلاحیت رسیدگی به این گونه موارد می باشد. این امر به خاطر این ایده رایج است که اشخاص مزبور مجرم محسوب نمی گردند؛ بلکه آنها انسان هایی هستند که نیاز به معالجه و درمان دارند و نایستی آنها را تحت رسیدگی کیفری قرار داد. برخلاف این نظر، پیش نویس مذکور مقرر نمود که درمورد این اشخاص به خاطر حفظ امنیت عمومی باید مجازات یا متمم اعمال گردد.

هدف اصلی، حفظ امنیت عمومی بود، نه معالجه و بهسازی مرتکبین. به همین منظور، پیش نویس صریحاً مقرر نمود که اقدامات مذکور هنگامی که حفظ حقوق عمومی اقتضا نماید، بایستی اعمال گردند. ازجمله در سازمان های تحت صلاحیت و نظارت وزارت دادگستری و به استثنای بیمارستان های روان پزشکی.

مدت اجرای این اقدامات سه سال بود که حداکثر دوبار قابل تمدید بود. درمورد آن دسته از اشخاصی که شدیداً متمایل به ارتکاب جرایمی که مجازاتی بیش از دو سال حبس داشتند، نیز اقدامات مذکور در پیش نویس قابل اعمال بود. همچنین درخصوص بیماران روانی. (غیرمستقر در بیمارستان)

درست است که به طور کلی این گونه رفتار و برخورد با مجرمین، مصون از انتقاد نبود؛ اما این سیستم توسط پیش نویسی طراحی و ترتیب داده شده بود که تا حد بسیار زیادی در جهت حفظ امنیت عمومی و به بهای عدم رعایت حقوق بیمار روانی گام برداشته بود.

نکته دیگر در رابطه با مسئله امنیت عمومی در پیش‌نویس، چگونگی برخورد با مجرمان حرفه‌ای و به عادت بود؛ به‌طوری‌که درخصوص مجرمان حرفه‌ای حداکثر مدت حبس را می‌توان به دو برابر افزایش داد و برای مجرمان به عادت نیز می‌توان مجازات‌های نامحدود تعیین نمود.

از این گذشته، در پیش‌نویس، یک گرایش کلی به جرم‌انگاری افراطی وجود داشت. در فصل جرایم علیه منافع کشور، مقررات مختلفی گنجانده شد و مجازات‌های جرایم آن فصل نیز افزایش یافت. به‌عنوان نمونه: تدارک مقدمات برای شورش و آشوب عمومی جرم محسوب گردید. درحالی‌که قانون کنونی فقط شروع به جرم مذکور را جرم می‌داند. همچنین عدم اطاعت گروهی و جمعی زندانیان به فهرست جرایم اضافه گردید و یا مجازات افشای اسرار رسمی و اداری - که درحال حاضر در قانون کارمندان دولت یافت می‌شود - بدون بررسی لازم و مقتضی مبنی بر اینکه آیا متهم جرم مزبور حق دستیابی به اطلاعات را داشته است یا خیر؟ افزایش داده شد. به‌طورکلی، این طرح بیش از بیست جرم جدید به قانون فعلی اضافه نمود و مجازات تعدادی از جرایم را افزایش داد.

آنچه که درمورد آن، انتقاد ویژه صورت گرفت، روی‌کرد و نگرش طرح به جرایم بدون مجنی‌علیه و جرایم اخلاقی بود. به‌عنوان نمونه: به تضمین آزادی بیان توجه لازم و مقتضی صورت نگرفت و حتی پیش‌نویس، دایره اعمال مقررات خود را به انتشار نشریات غیراخلاقی و مبتذل گسترش و مجازات‌های مربوط را افزایش داد. جرم سقط جنین - که هم‌اکنون به‌رغم وجود موادی در قانون، به‌ندرت مرتکبین آن مجازات می‌شوند - در پیش‌نویس باقی ماند و دایره شمول آن وسیع گردید. در نهایت، این طرح با مخالفت گسترده مواجه گردید. ازجمله اینکه فدراسیون اتحادیه‌های کانون و کلا، انجمن روان‌پزشکی ژاپن، اتحادیه روزنامه‌های ژاپن و سایر سازمان‌های مختلف، اعتراض و مخالفت خود را با پیش‌نویس ابراز داشتند.

در پی این اعتراضات، وزارت دادگستری از موضع خود عقب‌نشینی و عدول نمود و در سال ۱۹۸۱م، مقاله‌ای تحت عنوان "سیاست جاری درخصوص اصلاح قانون جزا" منتشر ساخت.

در این اعلامیه سیاست‌گذاری، وزارت‌خانه اعلام نمود که در هر جا موادی از پیش‌نویس مورد انتقاد شدید واقع گردید، مواد مربوط در قانون موجود بدون اصلاح باقی بماند. بنابراین، وزارت دادگستری از ایده اصلاح قانون براساس پیش‌نویس سال ۱۹۷۴ م، دست کشید.

از سوی دیگر، از زمان طرح اصلاحیه سال ۱۹۷۴ م، قانون جزا دستخوش اصلاح و تجدیدنظرهای پی‌درپی شد؛ به‌طوری که جرایم خاصی در آن شناسایی و تعریف گردید. مواد مربوط به جرم رشوه دچار تغییرات زیادی گردید؛ همچنین جرم ممانعت از فعالیت تجارتي و دادوستد توسط رایانه - هک یا دستبرد اطلاعاتی به‌وسیله رایانه - (hacking) کلاهبرداری به‌وسیله رایانه و سایر جرایم مربوط به رایانه، در سال ۱۹۸۷ م، به قانون جزا معرفی گردید. به تبعیت از رأی سال ۱۹۷۳ م، دادگاه عالی، در سال ۱۹۹۶ م، جرم پدرکشی از قانون حذف گردید.

دست‌آورد بعدی، تغییر الگوی زبان قانون جزا در سال ۱۹۹۶ م، بود. تا قبل از آن سال، نوع زبان قانون، زبان ژاپنی ادبی کلاسیک بود که امروزه فهم آن برای عامه مردم مشکل شده است. بنابراین، قانون مزبور کاملاً به زبان امروزی و ساده بازنویسی گردید.

پی‌نوشت‌ها:

* منبع:

۱ _ Laws no. ۳۹, ۱۹۴۸, no. ۲۴۰, ۱۹۵۲ & no, ۸۷, ۱۹۷۴.

۲ _ Laws no. ۶۷, ۱۹۶۸, no. ۵۴, ۱۹۴۷ & no, ۱۲, ۱۹۴۷.

۳ - در شاخه حقوق جزای عمومی از این مفاهیم سخن به‌میان می‌آید.

۴ - در شاخه حقوق جزای اختصاصی، تک‌تک جرایم بررسی گردیده و عناصر اختصاصی آنها مشخص می‌گردد.

۵ _ Shinritso – koryo.

ریتسو - ریو: عنوان مجموعه‌های حقوقی بود که براساس نمونه‌های چینی گردآوری شدند و مشتمل بر قواعد کیفری (ریتسو) و قواعد اداری (ریو) بودند. این مجموعه‌ها به دور از اندیشه

حقوق فردی بودند. (رنه داوید، نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه دکتر صفای، دکتر آشوری و دکتر عراقی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵، ص ۵۲۷).

۶ _ Tokugava – shogunate.

شوگان: در لغت واژه‌ای است ژاپنی به معنای فرمانده کل علیه وحشی‌ها. اصطلاحاً به دیکتاتورهای نظامی اطلاق می‌گردید که از سال ۱۱۸۵ تا ۱۸۶۷ (قریب به هفت صدسال) بر ژاپن حکومت نمودند، که عبارت بودند: از ۱ - عصر شوگان‌های آشیزاکا (۱۳۳۳ - ۱۱۸۵)، ۲ - عهد کاماکورا (۱۵۷۳ - ۱۳۳۳) و ۳ - عهد توکوگاوا (۱۸۶۸ - ۱۶۰۳). شوگان‌ها طرفدار مکتب کنفوسیوس بودند. سقوط فرمانروایی شوگان‌ها با شروع عصر می‌جی همراه بود. (رنه داوید، نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، ص ۵۲۹).

۷ _ Ming & ching (امپراطوری‌های قرن هفدهم)

۸ _ Kari – keiritsu.

۹ _ Gustave boissonade.

۱۰ - قانون جزای مصوب ۱۸۸۰.

۱۱ - جنگ جهانی دوم منظور است که در آن ژاپن نیز شرکت داشت.

۱۲ _ R. hirano. “The draft of the Revised Penal Code: A General critique”. Law in japan. Vol.۶, ۱۹۷۳.

Pp. ۴۹.۶۴.

۱۳ _ Law no. ۱۲۳, ۱۹۵۰.